

## طالب افغان چه بود، چه شد و چه خواهد شد!

(قسمت پنجم)

انکشافات سالهای بعد از اخیر ۱۹۹۴، پدیدار شدن «جنبش طالبان»، الی سقوط آن در اخیر سال ۲۰۰۱، با یک عالمی از عوامل و همچنان، تغییر سیاست آنها، در عرصه داخلی و خارجی ارتباط می گیرد، که تحلیل دقیق آن، نمی تواند، در همچو سلسله مقالات گنجایش یابد. و حتی ممکن در کتب هم گنجایش راحت نبیند. نوسانات در «مسیر ایدیولوژیک»، همانند، «افراطیت چپ»، در تحت تأثیر نوسانات غیر واقعینانه قرار گرفته است. برای کسب حد اقل روشنی، قسمتی از «فکت» های «نمونوی»، بیان گردید، تا سائر خوانندگان هموطن، خود نیز قادر بدریافت تصویری، برای فکانت خود استخراج نموده بتوانند. از جانب دیگر، با نشان دادن «تصاویر منتشره مطبوعاتی»، تلاش صورت گرفته است، تا دیده شود که، می تواند، در رهبری «جنبش طالبان»، «ملا های» فعال وجود داشته و در صفوف هم، شاگردان موجود باشند، اما اینکه همه را بعنوان «شاگردان مدارس» می نامند، تا حدی اضافه از حد محسوب شده می تواند.

جای شک نیست که «پدیدار گردیدن» این قوت، بر ترکیب جدید، که حتی به «اتحاد قوای متخاصم قبلی» انجامیده است، اثرات خود را نشان داده است. ضربه «طالب» بر برخی از «جنگ سالاران»، اثرات مشهود خورد کننده داشته است. از «جلال و شهرت» آنها، در نتیجه «شکست ها» بطور محسوس کاسته شده است. به این مطلب سال قبل از ورود به کابل نظر می اندازیم:

روزنامه «پیر تیراژ» آلمانی زبان، «فرانکفورتر الگیمان» در شماره مؤرخ ۱۰ مارچ ۱۹۹۵ تحت عنوان: «پیروزی های ملیشه های طالب در جنگ داخلی افغانستان» گزارش داده می نویسد، که چنین بنظر می رسد که: «افراطیون اسلامی ملیشه های طالب در افغانستان به هدف خود، یعنی در جنگ داخلی حل صلح بیابند، ممکن یک قدم نزدیک شده باشند، تا حکومت اسلامی مقیدی را برقرار نمایند» در همین گزارش می خوانیم: «جنگی های ملیشه شیعه حزب وحدت، روز پنجشنبه بنابر اظهار سخنگوی طالبان، به تخلیه سنگر های آنها، در جنوب غرب کابل آغاز نموده، سلاح های خود را به عقب می کشند.» در عین زمان از سفر «مولانا فضل الرحمن، رئیس حزب جمعیت العلمای اسلام (JUI)، پاکستان، روز چهارشنبه، بکابل خبر داده شده است، که گویا جهت «میانجی» بین حکومت و طالبان، هدف داشته است.

قابل یاد آوری است، که طالبان در سال ۱۹۹۵، علاوه از اشغال هرات، که خبر فرار «اسماعیل خان» بجای نا معلوم گزارش گردید، تا ساحات غرب کابل، مناطق تحت کنترل «حزب وحدت» نیز پیشروی نموده بودند. درین زمان وقتی عبد العلی مزاری یکی ز رهبران حزب وحدت، اسیر گردید، بعداً گویا در «هیلیکوپتر» حاملش بسوی قندهار، کشته شد. در حادثه «هیلیکوپتر» از تلفات ۱۶ نفر گزارش می گردی، که البته باشایعت و افسانه هاهم بدرقه می گردید. اتحاد گروپ های معین که بعداً بنام اتحاد شمال نامیده شد، وارد شرایط و تعهدات جدیدی علیه «طالبان» گردیدند.

در گزارش «بی. بی. سی» بتاريخ ۲۵ سپتمبر ۱۹۹۶، از تصرف و اشغال «سروبی» نام برده شده است، پایگاه سابق «حزب اسلامی» گلبدین حکمتیار و «حزب اسلامی مولوی محمد یونس خالص». در همین گزارش از قول ملا محمد عمر، «رهبر بنیادگرای اسلامی»، این «حرکت»، خبر می دهد که «رئیس برهان الدین ربانی»، مشغول تدارکات فرار از کابل است. ملا محمد عمر عفوه عمومی («امنیتی») را برای آنها اعلان نموده است، در صورتیکه خود تسلیم شوند.



Der Spiegel Nr. 41  
1966, S182

در همین منبع همچنان آمده است که در آغاز حتی «طالبان»، به پادشاه سابق که از سال ۱۹۷۳ بیعد در روم در تبعید بسر می برد و در آن زمان ۸۱ سال عمر داشته است، نقش «همگرائی» قایل بوده اند. بعداً همه انکشافات رنگ دیگری را بخود اختیار نمود. وقتی به عده از عکس های بعدی، نظر انداخته شود، این جنگی ها با «طالب»، محلی که مردم ما از گذشته ها می شناسند، مشابهت کامل نشان نمی دهند.

درین مطلب همچنان پیشروی طالبان را خطری برای «ائتلاف پنج گروپ»، از زمان آغاز جنگ «داخلی» در سال ۱۹۹۲ دانسته، تذکر می دهند

دپانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکارۍ ته راوبولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادښت: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

که ربانی در همان سال ۱۹۹۶ خاستاً، «پاکستان را متهم بحمايت» از ملا محمد عمر دانسته است، ولی دفتر خارجی در اسلام آباد این ادعا را رد کرده است. دو روز بعد از این گزارش، (۲۷ «سپتمبر») «طالبان» وارد کابل می شوند. درین زمان گزارش می یابد که این «حرکت» «دو بر سوم» خاک کشور را تحت کنترل خویش در آورده بودند. از جمله حوادث، ورود به کابل، که گفته می شد، قوای حکومتی و شورای نظار، قبلاً شهر را ترک نموده بودند، تصاویر ذیل سخن می گوید. تفصیل درینجا نمی گنجد. منابع نشراتی پر از داستانها و گزارشات است.



■ LYNCHJUSTIZ  
Der ehemalige  
Präsident und  
Kommunist  
Mohammad Na-  
dshibullah wurde  
aus dem UNO-  
Gebäude ge-  
schleift, in dem  
er Zuflucht ge-  
sucht hatte, und  
mit seinem Bru-  
der Schahpur Ah-  
madsai gehängt

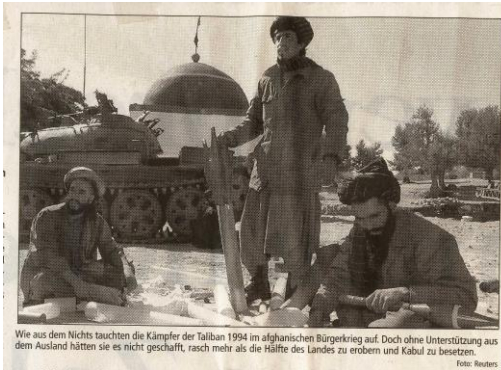
شخصی که در صفحه بالائی، دستش را در برابر «کامره» گرفته است، ملا محمد ربانی نام داشته، مقام او معادل «مقام صدارت» و در حقیقت «شخص دوم» بعد از «ملا محمد عمر» در جنبش «طالبان» معرفی بوده است. مجله «شیپگل» از ملا محمد ربانی و شخص پهلویش بعنوان اعضای «شورای حکومتی» ملا ها یاد نموده است. آگاهان سابقه عضویت او را در «جمعیت اسلامی برهان الدین ربانی» می دانسته اند. منابع غربی اکثریت «ملیشیه» ها یا جنگی های این «حرکت» را «تربیه شدگان مدارس دینی در پاکستان» که از آن بعنوان «مکاتب قرآن» یاد می کنند، می دانند.

این عکس به همگان معلوم است در ستون سمت راست عکس «فوکوس» نوشته است: «مجازات بدون محکمه یا محکمه صحرائی: رئیس جمهور سابق کمونیست محمد نجیب الله که در تعمیر سازمان ملل متحد، پناه یافته بود، در پناه گاه نشانی گردید، با برادرش شاهپور احمدزی، غر غره شدند»

در همین گزارشات همچنان تذکر می دهند که تا قریب دو سال قبل، این حرکت و یا این نام را نمی شناختند. همین مجله در شماره ۴۱ آن، که با روز های اول ورود طالبان مطابقت داشته است، در صفحه ۱۸۰ با نشر عکس، در تحت عنوان فوقانی: «صلح بدون آزادی» می نویسد: «طالبان، جنگی های افراطیون اسلامی، کابل را فتح نمودند و سیستم حقوقی بنیادگرایی و طرز زندگی را تطبیق نموده اند: سنگسار نمودن ...، بریدن دست دزدان، شلاق زنی و لت و کوب علنی. به بدترین وضع زنان زیر ظلم و ستم قرار می گیرند. لیکن قریب تمام غرب به خاموشی غرق رفته است. ماوراء ها در نقشه «جیوپولیتیک» مطابقت می نماید.» در جمله آغازین می نویسد: «داکتر رشیده، از روز ها، بدینسو سر کار دیده نشده است. با وجود آنکه باید بیم از آن نداشته باشد، که در اثر فیر راکت و مرمی، خطری متوجه او باشد.» در پای یک عکس روی صفحه روزنامه می خوانیم: «زنان پوشیده با چادری، در شهر ویران از اثر جنگ: اوامر و دستاویز افراطیون اسلامی، برای خانم ها همانند حکم اعدام است»

روزنامه «هندلزبلیت» (Handelsblatt)، در شماره روز ۲۹ اکتوبر ۱۹۹۶ آن، با چاپ این عکس می نویسد که در افغانستان، اضلاع متحده آمریکا و روسیه در گیر اند. پس از سطر اول، با خط درشت می خوانیم: «طالبان: هیگل ها در بازی بزرگ»

در عقب فتح کابل توسط جنگی های – طالبان، مقدم از همه پاکستان قرار دارد، آشکار است که از پشتوانه اضلاع متحده آمریکا برخوردار است. همانند سابق در آینده هم، منافع قدرت های جهانی، در اتخاذ تصمیم بر سرنوشت افغانستان جهت دهنده است: تأمین منابع انرژی در شرق میانه، راه مدخل به آسیای میانه و جلوگیری از اسلام».



Wie aus dem Nichts tauchten die Kämpfer der Taliban 1994 im afghanischen Bürgerkrieg auf. Doch ohne Unterstützung aus dem Ausland hätten sie es nicht geschafft, rasch mehr als die Hälfte des Landes zu erobern und Kabul zu besetzen.  
Foto: Reuters

درستور زیرین این عکس می خوانیم: «فقط مانند اینکه جنگی ها از هیچ پدیدار گردند، طالبان در سال ۱۹۹۴ از جریان جنگ داخلی افغانستان، وارد صحنه شده اند. بدون حمایت از خارج، امکان مؤفقیت داشته نمی توانستند، تا با این سرعت بیش از نیمی از خاک کشور را تحت تصرف خود در آورند.»

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درېټ تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ



همین روزنامه گزارش خود را از تاریخ ۲۸ اکتوبر ۱۹۹۶، از کابل/پشاور، بدین متن آغاز می نماید: «ده روز قبل، زمانیکه ملیشه های طالبان، بتاريخ ۱۲ سپتمبر، ۱۹۹۶ حمله بر جلال آباد را در پیش گرفتند، در نزدیکی سرحد با پاکستان، امر مسدودیت تمام تأسیسات مذهبی صادر گردید... بقول اخبار «فرنتیر پست»، این اقدام مسدود نمودن، با حمله طالبان ارتباط داشته... ده ها سرویس، پر از سواری های جوان مسلح از دره خیبر بقصد جلال آباد، عبور نمودند...»

درمدت قبل از اشغال کابل، از زبان جنگی های طالبان می نوشتند: «اردوی ما فرستادگان خدا اند.» در آغاز سال ۱۹۹۵ تعداد جنگی های فعال این «حرکت» را حدود ۲۵۰۰۰ مرد مسلح تخمین می نموده اند.

روزنامه «نویه راینشه ساینونگ» در شماره ۷ ماه اکتوبر ۱۹۹۶ آن، در باره «نگرانی» جمهوری های بازمانده از شوروی سابق، بنام «اتحاد دولت های مستقل» (GUS) می نویسد که، درست هفت سال پس از خروج قوای شوروی

از افغانستان، کسب قدرت توسط «بنیادگرایان اسلامی» در کابل را، با تأسف و دلسردی می نگرند. از خود می پرسند که «همه آنچه برای آن جنگیده ایم، به ویرانه مبدل گردیده است.» با انتقاد از نقش مسکو که ۱۵۰۰۰ عسکر کشته بجا گذاشت، روسیه که دیگر سرحد مشترک با افغانستان نداشته است، بتعداد ۲۵۰۰۰ عسکر در خاک تاجکستان متمرکز ساخته است، همه در پیشرفت «طالبان»، خطر بی ثباتی را در آسیای میانه می دیده اند. «در پای عکس صفحه بالائی، که در ۷ اکتوبر ۱۹۹۶، در روزنامه متذکره، به چاپ رسیده است، می خوانیم: «عساکر ملیشه های طالب، در فاصله ۷۰ کیلومتر در شمال پایتخت کابل، وسایط را کنترل نموده، در جستجوی سلاح، مرمی و «کسیت» موسیقی می باشند. بر سر میز تحریر، تفنگ های ماشیندار، جابجا گردیده اند.»

مجله مصور آلمانی، «فوکس» (Focus)، در شماره ۴۱ سال ۱۹۹۶، در بالای همین سطر سمت چپ، همین صفحه اختصاصی مسایل خارجی، به ارتباط افغانستان، در همان روز های اول ورود طالبان به کابل، مفاهیم و مطالب متعددی را به نشر سپرده است. عنوان درشت را «قرآن و مواد مخدر» تعیین نموده است. در جمله تحت آن، همین عنوان درشت، سوالی را مطرح می نماید که «چرا اضلاع متحده امریکا، حکومت طالبان را با احتیاط مثبت ارزیابی می کند و چرا روسیه آنرا، رد می کند.» در جایی دیگر نوشته است که «طالبان پیروزی خود» را با تزئین میله توپ مقابل قصر ریاست جمهوری، تجلیل نموده اند.

در پهلوی عکس عبدالرشید دوستم، که از وی بعنوان «پادشاه ساز متردد» نام برده است، می نویسد که «این جنگ سالار ازبک، عبدالرشید دوستم، ۴۱ ساله» ۱۹۹۶، شش ولایت شمال را تحت «کنترول» خود در آورده، «بتعداد ۴۰۰۰۰ مرد مسلح تحت فرماندهی خود، سازمان داده است، در عقب توپل سالنگ موضع گرفته است. هیبتی را جهت مذاکره با طالبان، بکابل فرستاده است.» همچنان می نویسد که در گذشته «مکرراً تغییر جبهه نموده است. اول از رئیس نجیب الله و بعد از مسعود و در اکثر اوقات از خود، حمایت نموده است.» «دوستم بر راه ارتباطی با آسیای میانه تسلط دارد.»

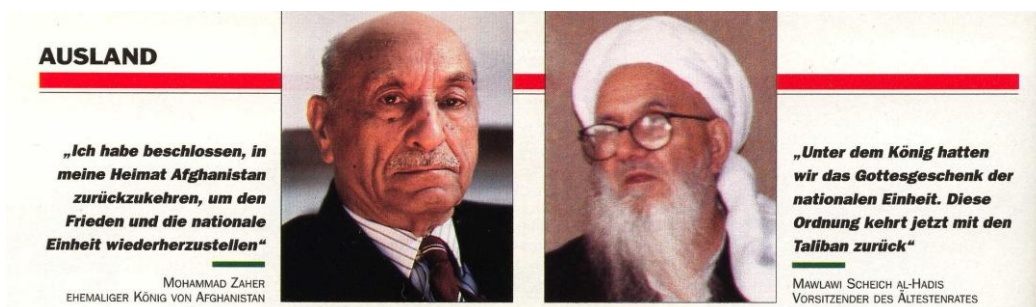
همین مجله مصور، از احمد شاه مسعود، (۴۸ساله)، بعنوان «شیر پنجشیر» نام برده، می نویسد که سرکرده نظامی، از صحنه مقابله با طالبان فرار نموده، بسوی شمال، در دره پنجشیر، عقب نشینی نموده است. «در زمان اشغال شوروی ها، ارتش سرخ عدم موفقیت به اشغال وقت مسعود روبرو گردیده است... بکمک رهبر ازبک ها، دوستم، از طالبان جلوگیری بعمل آمد.»

«فوکس» در باره «جنبش - طالبان» (که از آن بعنوان جمع کلمه طالب فهمیده است)، می نویسد که در سال ۱۹۹۴ در قندهار تأسیس یافته، رهبر آنها ملا محمد عمر ۳۲ ساله ۱۹۹۶ است. در اپریل ۱۹۹۶، از جانب «۱۰۰۰ روحانی مسلمان» بحیث «امیر» (فرمانده معتقدین) انتخاب گردید. شخص شماره دوم طالبان را ملا محمد ربانی (قبلاً هم از وی تذکر رفته است) خوانده اند، که پس از سقوط کابل، صدر اعظم نامیده شد. این منبع هم از او بصفت مخالف عکاسی نام داده، تکرار مینماد که موصوف حکومت طالبان را در کابل رهبری می نماید.

در صدر صفحه ۳۳۲ همین مجله عکس پادشاه سابق محمد ظاهر شاه و مولوی شیخ الحدیث رئیس شورای موسفیدان، منتشر یافته است. در سمت راست عکس اش می خوانیم: «تحت سلطه پادشاه ما تحفه خدائی وحدت ملی داشتیم. این نظام با آمدن طالبان بر می گردد». در سمت چپ عکس پادشاه سابق افغانستان، محمد ظاهر شاه، از زبان ایشان می نویسد: «من مصمم شدم تا بکشورم افغانستان برگردم، تا صلح وحدت ملی دوباره را برقرار نمایم». روزنامه «نویس دویچلند»، در شماره اول اکتوبر ۱۹۹۶ آن روزنامه نیز گزارش می دهد که پادشاه سابق، پس از ۲۳ سال مهاجرت، مطابق اظهار فوق خبر داده شده است که «حاضر است نقش سیاسی را در کشورش ایفاء نماید»، در عین زمان گفته شده است که «منتظر دعوت طالبان می باشد». این اظهارات را که گویا در برابر نماینده خاص سازمان ملل متحد، «ناربرت هول» ( Norbert Holl ) گفته شده است، منتشر گردیده است.

بار دیگر طرح سال ۱۹۹۳ خود را، بعنوان یک مرحله «عبوری» پیشکش نموده است. تا نخست یک «شورای ملی»، یک رئیس دولت مؤقت را انتخاب نموده، تا درین مرحله، در تحت نفوذ و رهنمود های قانون اساسی «مؤقت»، راه برای تدویر «لویه جرگه» هموار گردد و راه انتخابات نیز باز گردد. در همین گزارش گفته می شود که طالبان بطور غیر مستقیم عکس العمل نشان داده، تأسیس «شورای عبوری» یا مؤقت را اساس گذاشته اند.

روزنامه «نویس دویچلند» در همین شماره اول اکتوبر ۱۹۹۶، از زبان پناهندگان سیاسی افغان، می نویسد که بقول آنها، «در عقب انکشافات اخیر اضلاع متحده امریکا قرار دارد». از نظر آنها، واشنگتن خود را از قبل برای «پادشاه» عیار ساخته است.



سخنگوی سیاست خارجی طالبان، بنام شیر محمد عباس، اعلام داشته است که حکومت آینده باید از جانب «شورای ملی اسلامی» تعیین گردد، که در آن علمای افغانی و سیاستمداران خارج از کشور نیز شامل باشند، که در آنکشور ها، هواداران زیاد پادشاه بسر می برند. در همین گزارش همچنان خبر داده می شود که طالبان یک روز قبل ولایت «کاپیسا» را شغال نموده، بسوی دره «پنجشیر»، بسمت قوای عقب نشسته حکومتی، به پیشروی ادامه می دهند. این روزنامه، سرسخت ترین مخالف طالبان را که از خود مقاومت نشان داده است، جنیش جنرال «ازبک»، عبدالرشید دوستم است. در همین متن از «آخرین مخالف» موجود طالبان نیز یاد نموده، موقف آشتی نا پذیر اتخاذ نموده است.



در همین شماره، مجله مصور «فوکوس» از حاجی ملا محمد غوث بعنوان وزیر خارجه طالبان در حکومت «مرحله عبوری» نام برده است.

این چند گزارش مطبوعاتی و نقل قول های متعدد، نشان می دهد، که از «جنیش طالبان» در آغاز، علی الرغم «نگرانی ها»، تا حدی، «امید ختم جنگ» تبلیغ می شده است. «غافلگیری ها» هم بعداً تا حدی برملا خواهد گردید.

ختم قسمت پنجم  
ادامه دارد